



تشییع با شکوه پیکر شهید  
مدافع حرم علیزاده حسینی  
در کرمان



«فاطمه سلطانی» همسر شهید «علیزاده حسینی» نیز در گفتگو با دفاع پرس گفت: آخرین مکالمه تلفنی که با هم داشتیم حالش خیلی بد بود و گفت من حالم زیاد خوب نیست. اگر قسمت شد دوباره با هم صحبت می‌کنیم. خداحافظی کرد و تلفن قطع شد. تا شب صبر کردم. دیدم خبری از علی نیست. فردا برادرش خبر داد علی شهید شده است. علی همیشه هر وقت می‌خواست اعزام شود، می‌گفت: «زود برمی‌گردم». اما این دفعه آخر به من گفت: «اگر زنده ماندم برمی‌گردم». این جمله را هیچ وقت نمی‌گفت، تا زمانی که خود احساس کرد که رفتنی است.



جلوها نرو». گفت: «مادر من فرمانده هستم». این اواخر متوجه شدیم که فرمانده گردان است.

#### ◀ لبخند بی پایان

علی نمازش همیشه سروقت بود. علی من نماز قضا نداشت. او همیشه خندان و شوخ طبع بود. آمنه نظری از علی می‌خواست که شفاعتش کند و در حالی که قطرات اشک بر روی قاب عکس علی می‌ریخت. می‌گفت: مادر خوشا به سعادتت. روز محشر دست ما را هم بگیر و شفاعتمان کن.

#### ◀ آخرین مکالمه تلفنی فاطمه سلطانی با

همسرش

#### فرمانده ۲۰ ساله گمنام فاطمیون

علیزاده حسینی جوان ۲۰ ساله و از فرماندهان گمنام تیپ حضرت ابوالفضل (ع) لشکر فاطمیون بود. در ادامه نماهنگی کوتاه را که توسط مرکز رسانه‌ای فاطمیون تهیه شده است، می‌بینید. برای مشاهده نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.

